

# سفر محمدحسین آزاد به ایران و دیدگاه او در باره دارالفنون (سفرنامه)

● لایلا عبدی خجسته\*

## اشاره

امیرکبیر و دارالفنون و سایر اقدامات اصلاح‌گرایانه ایشان از منظر غیرایرانی‌ها و ایران‌شناسان و ایران‌دوستان مهم و برای پژوهشگران قابل بررسی است. در یادداشت ذیل مطلبی در این خصوص از منظر و سفرنامه محمدحسین آزاد می‌خوانیم.

محمدحسین آزاد (۱۸۳۰-۱۹۱۰) زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس، تذکره‌نویس، شاعر و نقاد مشهور زبان اردوست. وی در تمام عمرش آرزوی تدوین فرهنگ جامع فارسی با تأکید بر ریشه‌شناسی واژه‌ها را داشت. از این‌رو برای گردآوری کتاب، به‌ویژه فرهنگ‌های فارسی، در ۲۳ سپتامبر ۱۸۸۵ از لاهور به ایران سفر کرد و در ژوئیه ۱۸۸۶ به هندوستان برگشت. «در روزنامه‌ها و نشریات بازگشت او را تبریک گفتند». در ۲۴ ژوئیه ۱۸۸۶ وقتی در «انجمن هال» لاهور درباره سفر خود به ایران سخنرانی کرد، «مردم برای شنیدنش از شهرهای مختلف امرتسر، لاهور و اطراف لاهور گردآمدند. افراد تحصیل کرده و تمام دانش‌آموزان نارمل اسکول که امتحاناتشان تمام شده بود در انجمن آمده بودند. جمعیت زیادی بود، اما هنگام سخنرانی محمدحسین آزاد سکوت همه‌جا را فرا گرفته بود. همه‌تن گوش بودند. روزنامه‌نگاران و سردبیران نشریات کاغذ به‌دست نشسته بودند.» (آزاد، ۱۹۲۲: ۹). سخنرانی محمدحسین آزاد در هفته‌نامه رفیق هند (ژوئیه ۱۸۸۶، انتشار در لاهور) چاپ شد و این نخستین سفرنامه چاپ‌شده به زبان اردو درباره ایران است. بعدها به کوشش آغا محمد طاهر (۱۸۶۵-۱۹۲۰)، نبیره محمدحسین آزاد، این سخنرانی به همراه روزنامه آزاد، در طول سال‌ها منابع زیادی (شامل نسخه‌خطی، کتاب‌های چاپی و نشریات) گردآوری کرده بود که

\* دکترای زبان و ادبیات اردو، از دانشگاه سند، پاکستان ..... lailaabdikhojaste@gmail.com

با کتاب‌های آورده‌شده از ایران «کتب‌خانه آزاد» را تأسیس کرد. «بنا به نشریه اردو اندین کرانیکل (چاپ در پتنا) و روزنامه کوه نور (چاپ در لاهور)، به ترتیب در ۲۸ سپتامبر ۱۸۸۵ و ۲۲ سپتامبر ۱۸۸۵، خبر دادند که بناست محمدحسین آزاد به زیارت عتبات عالیات ایران و عربستان برود و کتاب‌های قدیمی زیادی با خود بیاورد، اما با آن همه کتاب‌هایی که از ایران آورده بود سفر ممکن نبود.» (جغتایی، ۲۰۱۰: ۲۰-۲۱).

کتابخانه در لاهور از ۱۸۸۷ تا ۱۸۹۰ برقرار بود و پس از درگذشت آزاد بسته شد. در سال ۱۹۱۳ «کتب‌خانه آزاد» به «دانشگاه پنجاب» (لاهور پاکستان) اهدا شد که اکنون با نام «ذخیره آزاد» زینت‌بخش کتابخانه پنجاب است. بنا به فهرست آن زمان دارای ۱۸۱۴ تعداد نسخه خطی و کتاب/نشریات بود (همان: ۳۴). فهرست نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی «ذخیره آزاد» به مناسبت صدمین سال درگذشت آزاد از جانب گروه اردوی دانشگاه پنجاب (لاهور) پاکستان چاپ شده است.

محمدحسین آزاد از لاهور با قطار به کراچی رفت. سپس با کشتی بخار به بوشهر رفت. از آنجا به شیراز و اصفهان، کاشان، قم و تهران سفر کرد. سپس به سمنان، دامغان، بسطام، سبزوار، نیشابور و مشهد رفت و از راه هرات و قندهار به کویت و در پایان به زادگاهش لاهور برگشت.

او نزد نواب میرزا علی‌خان و حکیم حاذق حاجی میرزا حسن (در شیراز)؛ فرهاد میرزا معتمدالدوله و فرزند کوچک وی عبدالعلی میرزا احتشام‌الملک؛ مانک جی زردشتی؛ میرزا

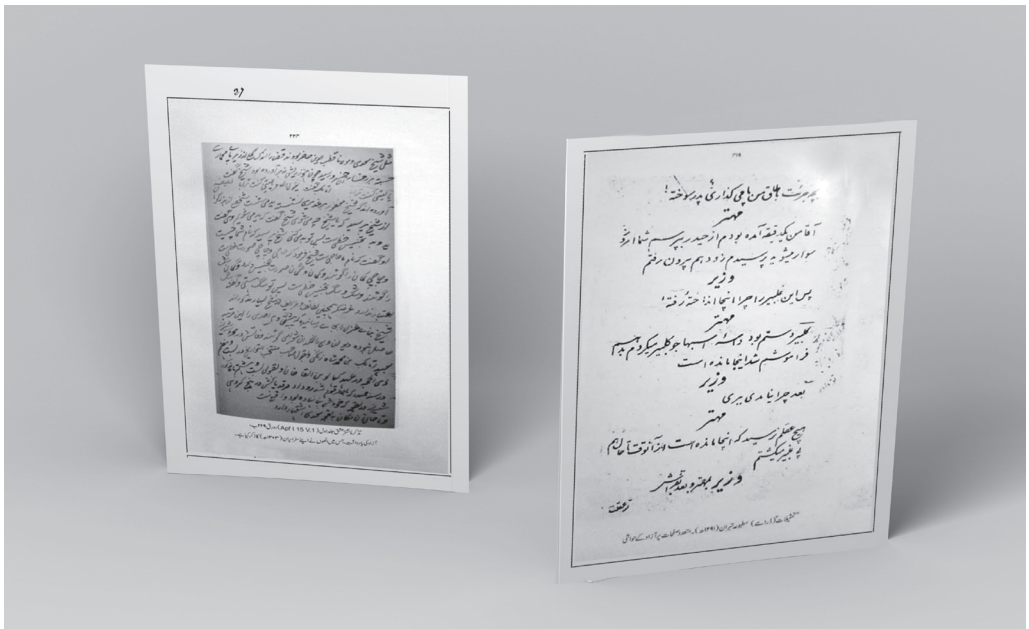


رضاخان افشار هگشلو با لقب دبیران دبیر؛ پسر لسان‌الملک (مؤلفِ ناسخ التواریخ) (در تهران)؛ و فرزندان میرزا یغما جندقی (در سمنان) رفت.

محمدحسین آزاد سه جا در سفرنامه‌اش از دارالفنون نام برده است:

۱. در مسیر شیراز به اصفهان: «در راه به روستاها می‌رفتم، سراغ اهل علم را می‌گرفتم و با آن‌ها ملاقات می‌کردم. در هر آبادی کوچک هم یکی دو عالم و چند صاحب اجتهاد پیدا می‌شد. با دیدن آن‌ها شگفت‌زده می‌شد. مثلاً از مزرعه علوفه گاوها را روی شانه‌هایشان می‌گذاشتند و با خود می‌آوردند یا در رودخانه لباس می‌شستند. وقتی از این کارها آسوده می‌شوند، شرح لمعه یا قوانین‌الاصول را تدریس می‌کنند. وقتی به آن‌ها می‌گفتم که چرا به شهری نمی‌روید تا ترویج علم کنید، می‌گفتند که در شهر خلوت و حضور قلب نیست. دنیا چند روز است. می‌گذریم و می‌گذرد. می‌گفتم: به از ما گذشت. ولی این بچه‌ها را به تهران و دارالفنون بفرستید تا آنجا درس بخوانند. زمانه تغییر کرده است. بیشتر می‌خندیدند و حرفم را تأیید می‌کردند و می‌گفتند به خود بچه‌ها بگو. به آن‌ها بستگی دارد. برخی هم بحث می‌کردند، در نهایت موافقت می‌کردند.» (همان: ۲۰).

۲. در تهران: «تهران دارالخلافة است که به برکت شاه کشور دارالخلافة‌ای از علوم، فنون، فرهنگ، دولت و اقبال است ... شاه جم‌جاه پس از برگشت از سفر اروپا، در کشور و ملت روشنایی ایجاد کرده است. بیرون شهر، قصر عالی‌شانی ساخته و نام



آن را شمس‌العماره گذاشته است. در کنار آن مدرسه دارالفنون است که باید آن را یونیورسیتی گفت. سبک معماری‌اش هم به سبک انگلیسی است. در آن معلم‌های فرانسه، انگلیسی و روسی زبان‌های خارجی، علوم و فنون را آموزش می‌دهند و خود دانش‌آموخته‌های ایرانی هم معلم شده‌اند. در جوار آن دارالتصنیف، دارالترجمه، دارالطباعة (مطبع)، دارالعدالت و غیره است.» (همان: ۲۴-۲۵).

۳. در تهران: «توسط شاهزاده نورانی با بیشتر علما و اُمرا ملاقات کردم. به‌ویژه با امیر خاندانی، نواب مخبرالدوله، وزیر تعلیم. پدر مرحومش رضاقلی خان لله‌باشی اتالیق بیشتر شاهزادگان بوده است ... مخبرالدوله چهار پسر دارد به چه سعادت‌مندی. خداوند اگر پسر می‌دهد، چنین دهد ... برادر حقیقی وی، مدیر مدرسه دارالفنون است. همگی بامروت، بامحبت، صاحب‌همت. سه ماهی که در تهران بودم، هر روز نزد او [علی‌قلی خان] می‌رفتم و درباره تحقیق و پژوهش‌ها و کتاب‌ها از وی فیض می‌بردم. این امیرزادگان، با وجود دستگاه و امارت و جوانی عمر فرهنگ‌های لغت را درمی‌آورند و می‌نشستند و چنان با محبت به کار من توجه می‌فرمودند گویا وظیفه‌شان را انجام می‌دهند. فهرست محبت و عنایت‌های آن‌ها را تا کجا بنویسم. وقتی خواستم از تهران حرکت کنم حکم‌نامه‌ای نوشتند که هر جا نیازی شد آن را به تلگراف‌خانه ببرم و نشان دهم. اگر آنجا کارم انجام نشد، به آن‌ها تلگراف بزنم و هر جا خبر سلامتی‌ام را به آن‌ها برسانم.» (همان: ۳۰).<sup>۲</sup>

۱. علی‌قلی خان مخبرالدوله (۱۲۴۵-۱۳۱۵ق) برادر وی جعفرقلی خان منیرالملک (۱۲۴۷-۱۳۲۲ق).

۲. به همراه این مقاله عکس‌هایی از کتاب‌هایی آمده است که محمدحسین آزاد در ایران تهیه کرده بود یا به او اهدا شده بود. بابت ارسال این عکس‌ها از پروفسور محمد رفیق (مدیر پیشین گروه فارسی، دانشگاه جی.سی. لاهور، پاکستان) و عروس محترمشان، سرکار خانم کبری، بسیار سپاسگزارم. خداوند متعال به هر دو کرم‌فرما، اجر کریم عطا فرماید. آمین.

## منابع

۱. آزاد، محمدحسین (۱۹۲۲). سیر ایران، به کوشش: آغا محمد طاهر، کریمی پریس، لاهور.
۲. جغتایی، محمد اکرام (۲۰۱۰). ذخیره مطبوعات آزاد، شعبه اردو، اورینتل کالج، پنجاب یونیورسیتی، لاهور.
۳. جغتایی، محمد اکرام، نوشاهی، عارف (۲۰۱۰). فهرست مخطوطات آزاد، شعبه اردو، اورینتل کالج، پنجاب یونیورسیتی، لاهور. آزاد از سفرنامه‌اش با عنوان سیر ایران از کریمی پریس در سال ۱۹۲۲ در لاهور منتشر شد.